

هر کاری را می‌توان با دو نیت متفاوت انجام داد؛ کار برای خالق و کار برای خلق. البته ممکن است گفته شود کار برای خلق و خدمت برای خلق، عین عبادت و کار برای خدا است؛ اما شاید این باور با همه ظاهرالصلاح بودن، اگر از مصادیق شرک نباشد، اصولا این تطابق نادرست است؛ زیرا نسبت میان رضایت خالق و رضایت خلق از مصادیق عام و خاص من وجه یا عام و خاص مطلق است؛ زیرا همواره رضایت خلق مساوی با رضایت خالق نیست؛ چنان‌که رضایت خالق همیشه مساوی با رضایت خلق از مردم از اقامه عدالت گریزان هستند و آن را به ضرر خویش می‌یابند، هرچند که رضایت خالق در اقامه عدالت استحتی اگر به نفع دشمن و به ضرر خویش باشد؛ همچنین مواردی نیز هست که رضایت خلق در آن تحقق می‌یابد، در حالی که رضایت خالق در آن نیست. از نظر آموزه‌های قرآن، آنچه اصالت دارد، رضایت خالق و کار برای رضای خدا است؛ بنابراین، حتی اگر در مواردی رضایت خلق در انجام کاری نباشد، مومن می‌بایست تنها برای رضایت خالق تلاش کند؛ زیرا رضایت خالق در باطن امر، کاری است که به نفع خلق تمام می‌شود؛ یعنی هم به نفع کارپرداز خواهد بود و هم به نفع دیگران؛ زیرا همه کارهایی که انسان برای رضایت خدا انجام می‌دهد، هیچ نفعی برای خدا در آن نیست؛ بلکه همه نفع آن برای خلق است؛ چرا که خدای غنی حمید، بی‌نیاز از کار خلق است. در نوشتار حاضر این موضوع واکاوی شده و آثار کار برای خدا تبیین گردیده است.

رضایت خلق بدون رضایت خالق

شخصی به مسئولی گفت: همه از شما راضی هستند، مگر پانزده نفر، مسئول گفت: این خوب است. حال آن پانزده نفر کیستند؟ گفت: خدا و چهارده معصوم.
شاید در میان برخی از اطرافیان شما کسی باشد که آهسته می‌رود و آهسته می‌آید تا کسی را ناراضی نکند؛ زیرا بر این باور است که رضایت مردم بسیار مهم است. او تمام تلاش خویش را می‌کند تا همگان از او راضی باشند. از آنجا که خواسته‌های خلق متضاد و متناقض است،

راه شناخت اینکه کار ما خالص برای رضای خالق است این است که کمترین توقع پاداش و تشکری از خلق نداشته باشیم و اگر در دل خود نیاز به تشکر و جبران و پاداش از سوی خلق احساس کردیم قطعاً بدانیم که در عمل ما ناخالصی وجود دارد و این عمل ناخالص ره به جایی نخواهد برد.

است و نمی‌توان همه را خشنود کرد، باز هم کسی یا کسانی از دست او آزرده‌خاطر می‌شوند؛ زیرا همواره ما در حال قضاوت کردن و سپس عمل کردن براساس داری خویش هستیم، حتی اگر به نفع شخص ما نباشد، بلکه منافع عموم مردم را در نظر بگیریم، باز هم مواردی است که یکی ناراحت خواهد شد.

به عنوان نمونه خود را در جای یکی قاضی قرار دهید. دو نفری که پیش ما می‌آیند، بی گمان یکی حق و دیگری باطل است. هر قضاوت شما یکی را راضی و دیگری را ناراضی می‌کند. بنابراین، هرگز نمی‌توان رضایت تمامی خلق را به دست آورد. از نظر آموزه‌های قرآن، از آنجا که بسیاری از مردم از نظر فهم و ادراک و نیز خواسته‌ها متفاوت هستند، شما هر کاری را انجام دهید نمی‌توانید رضایت همگان را به دست‌آورید.

بدر آنجا که خواسته‌های مردم در بسیاری از موارد با خواسته‌های الهی در تضاد و تناقض است؛ زیرا بسیاری از خلق کسانی هستند که خدا درخدا برهان می‌فرماید: «کثرهم یچهلونن(تعالم، آیه ۱۱۱)، «کثرهم لفاسقین»(اعراف، آیه ۱۰۲)، «اکثرهم لا یعلمون»(انفال، آیه ۲۴، یونس، آیه ۵۵)، «کثرهم لایشکرون»(یونس، آیه ۶۰، نمل، آیه ۷۳)

این بدان معنیست که بسیاری از مردم خواسته‌هایی دارند که محبوب خدا نیست و خدا بدان رضایت ندارد؛ زیرا خواسته‌ها و کارهایی که انجام می‌دهند بر اساس جهالت عقلی و علمی و بر اساس فسق و ضد شکرگزاری و استفاده نادرست از نعمت است. بنابراین اگر کسی

روحی و روانی ندارد که آیا دیگری از او تشکر می‌کند یا نه؟ آیا رضایت او را جلب کرده است یا نه؟ آیا این عملش مقبول دیگری بوده است یا نه؟ زیرا شخص کار را برای رضایت خلق انجام می‌دهد، و بسیاری از مردم یا توجه به کار شما نمی‌کنند، یا قدردان نیستند، یا اصلا برای کار شما ارزشی قائل نیستند؟

البته ممکن است کاری که شما برای رضایت خلق انجام می‌دهید، کاری باشد که از نظر اکثریت مردم کاری غلط و نادرست است و شما می‌بایست از این کار خویش توبه کنید؛ زیرا کاری که انسان برای رضای خلق انجام می‌دهد ممکن است کاری نباشد که از نظر دیگران ارزشی باشد.

پس کاری که انسان برای رضایت خلق انجام می‌دهد،



مهم‌ترین شرط در کار برای خدا و رضای او، کاری است که در آن خلوص باشد و هیچ کسی یا چیزی در آن دخیل نشود؛ زیرا کمترین ناخالصی می‌تواند تأثیر در رضایت خالق را از میان ببرد.
پس آثاری که برای کار برای رضای خدا مطرح است، مشروط بر آن است که آن کار تنها برای رضای خالق باشد و خالص برای او؛ بنابراین، دخالت دادن رضایت خلق و یا انگیزه‌های دیگر می‌تواند آن خلوص را از میان بردارد و آثاری مثبت به آن مردم نماند.

ممکن است با از مصادیق شرک باشد و اگر از مصادیق شرک نباشد، کاری که رضایت خلق در آن تحقق می‌یابد در بسیاری از موارد کارهایی است که مورد رضایت خالق نیست و اگر از مصادیق کارهایی باشد که رضایت خالق نیز در آن است، از مواردی است که آثار دنیوی و اخروی بر آن بار نمی‌شود؛ زیرا انسان انتظار تشکر و قدردانی دارد که ممکن است تحقق نیابد و اگر هم تحقق یابد، اجر و مزد عملش را دریافت کرده و دیگر نباید انتظار اجر الهی و مزد اخروی ازعملی داشته باشد که برای رضایت خلق انجام شده است.

از مردم دانسته باشند که اگر خدمتی به آنان شود، دمی خشنود می‌شوند، اما همین که دیگر خدمتی نشود، نه تنها سکوت نمی‌کنند بلکه خشمگین می‌شوند و با عصبانیت و تندی برخورد می‌کنند؛ زیرا انتظاری در

معارف

Maarefkayhan@Kayhan.ir

از نظر قرآن، کاری که برای رضایت خالق انجام می‌شود، همواره نفعی برای خلق خواهد داشت، هر چند که به ظاهر به ضرر خلق باشد؛ زیرا کارهایی که برای رضایت خالق انجام می‌شود، کارهایی است که غفلت بر درستی آن در قالب واجب و مستحب تأکید دارد. شکی نیست که کارهایی که واجب و مستحب است، کارهایی است که نفع تمام یا اکثری برای خلق دارد.

آنان ایجاد شده که اگر توجهی به آنان نشود، اعتراض می‌کنند و خشمگین می‌شوند.(توبه، آیه ۵۸)
آثار دنیوی و اخروی کار برای خالق
از نظر آموزه‌های قرآن، کار بسرای رضای خدا آثار البته ممکن است کاری که شما برای رضایت خلق انجام می‌دهید، کاری باشد که از نظر اکثریت مردم کاری غلط و نادرست است و شما می‌بایست از این کار خویش توبه کنید؛ زیرا کاری که انسان برای رضای خلق انجام می‌دهد ممکن است کاری نباشد که از نظر دیگران ارزشی باشد.

آنان ایجاد شده که اگر توجهی به آنان نشود، اعتراض می‌کنند و خشمگین می‌شوند.(توبه، آیه ۵۸)
آثار دنیوی و اخروی کار برای خالق
از نظر آموزه‌های قرآن، کار برای رضای خدا آثار کارپرداز اشاره کرده زیرا همواره رضایت خالق، موجب رضایت کارپرداز می‌شود. خدا در قرآن بارها به این نکته توجه می‌دهد که نوعی رابطه دوسویه «راضیه مرضیه» میان خلق و خلقی است که برای خدا کار انجام می‌دهد. کسی که خالصانه برای رضای الهی کاری را انجام می‌دهد، خدا از او راضی و خشنود می‌شود و این خشنودی به شکلی در انسان ظهور می‌کند.(فجر، آیات ۲۷ تا ۳۰، مائده، آیه ۱۱۹)

همچنین کار برای رضای خدا، از مصادیق شکر‌گزاری عملی از نعمت است؛ زیرا کسی که از قدرت و قوت خویش بهره درستی می‌گیرد تا کارهای واجب و مستحب را انجام دهد و خیری به خود و دیگران برساند، شاکر عملی نعمت است و از آثار شکر عملی بهره‌مند می‌شود که یکی از مهم‌ترین آنها پیدا کردن سعه وجدوی و شرح صدر است. (بقره، آیه ۷)

از دیگر آثار کار برای خدا و رضایتش، دستیابی به مقام اطمینان است (فجر، آیات ۲۷ تا ۳۰)، زیرا کسی که بسرای رضای خدا کاری را انجام می‌دهد، اهل ذکر عملی است، و ذکر عملی خدا موجب آرامش و اطمینان است. (رعد، آیه ۵۹)

از نظر قرآن، کار برای خدا و رضایتش موجب می‌شود که شخص مورد عنایت و توجه خاص خدا قرار گیرد و خدا از فضل خویش به او چیزهایی را بدهد که به دیگران نمی‌دهد. (توبه، آیه ۵۹)

رضایت خدا عامل اساسی بهره‌مندی از امداد غیبی است که بسیار مهم در زندگی است؛ زیرا انسان در زندگی در شرایطی سخت قرار می‌گیرد که هیچ راه چاره‌ای جز امداد غیبی نیست.(مجادله، آیه ۲۲)

بر اساس تعالیم قرآن، افرادی که تنها برای رضای الهی کاری را انجام می‌دهند، سه عنوان اهل حزب‌الله، اهل بهشت هستند(مجادله، آیه ۲۲) پس باید گفت که دستیابی به بهشت و فوز عظیم اخروی نیز از دیگر دستاوردهای انجام کار برای خدا و رضایت او است.(توبه، آیه ۱۰۰) البته شکی نیست که این ورود با رهایی از غفلت و عذاب دوزخی است که دیگران بدان دچار هستند یا می‌شوند.(نور، آیات ۷ و ۸)

افرادی که دنبال رضایت الهی و کار برای خدا هستند، اهل خشیت هستند(بینه، آیه ۸) این بدان معناست که چنین شخصی از روی علم و دانایی نسبت به عظمت الهی کاری را انجام می‌دهند که خود را از دوزخ در امان نگه می‌دارند و بهشت اخروی را برای خویش می‌سازند.

مبارزه با تحریف دین، رسالت امام حسین (ع)

خودفروخته، تحریف مبانی دینی، ترویج تفسیرهای قلابی و خرافی، جمل حدیث، مخدوش کردن چهره علی(ع) و حسنین(ع) از طریق راه انداختن تبلیغات منفی و مفصل و سراسری، رواج تفکرات و ساختن مکاتب تحریفی و توجیه‌گرانه(مثل جبریه و مرجئه و…) و… به تحریف دین و انحراف در اصول و ارزش‌ها و پوشاندن لباس باطن بر تن حق مشغول بود. اگر معاویه درباره این نقشه شیطانی خیلی مزورانه و فریبکارانه عمل می‌کرد و از خود چهره ظاهرالصلاحی نزد بعضی مسلمانان بی‌بصرتی و ناگاه ساخته بود فرزند نابکار و فاسقشند یزید، این سیاست را هم نداشت و علنا و در حضور اسیران کربلا و دیگر حاضران در کاخ خود مستانه نیات درونی و همه مکتوبات قلبی خود را بر زبان می‌آورد. حسین(ع) و عاشورای خونین او سدی شکست‌ناپذیر او «وسی» و «پیامبری» را بازی خندان بنی‌هاشم می‌دانند و… قسم می‌خورند همه فرزندان و ذریه پیامبر(ص) را(احمد) که با انتقام خود اجدادش که در بدر واحد و… به دست سپاهیان پیامبر(ص) به درک واصل شده بودند، خواهد کشت.

کارکرده امامت در واقعه کربلا

از این روست که حسین بن علی(ع) به‌عنوان «امام» وظیفه بزرگی برای اشرک ساختن و نمایاندن حق از پشت پرده‌های ضخیم فریب و باطل و نجات و اصلاح امت پیامبر از چنگ استبداد و جنایت در آن شرایط هول برعهده دارد. «اینجاست که خفایت اصل «مامت» و اصلی‌ترین کارکرد امام مشخص می‌شود. بقای اسلام و وعده خداوند که «دین خود را تا ابد حفظ می‌کند»، در گسرو برقراری و کارکرد اصل امامت و اقدام و عمل پیامبر است و با درک عمیق و ذقیق از اسلام و معرفتی بنیادی که نسبت به آموزه‌های الهی دارد، در هر عصر و دوره‌ای برای انجام وظیفه الهی و تحقق هدف خود(حفظ اصل دین) به بهترین تاکتیک و روش متوسل می‌شود. امام حسین(ع) با درک شرایطی که دشمن بر جامعه حاکم کرده بود، چنان‌که می‌فرماید: «لا ترون ان الحق لایعمل به، و ان الباطل لایتناهی عنه…»(تحفالعقول، ص۲۳۵) یعنی: «یا نمی‌بینید که به حق عمل نمی‌شود و از باطل نهی نمی‌شود» و…(یعنی معروف شدن منکر و منکر شدن معروف) و همچنین شناخت عمیق از پشت پرده نقشه و هدف نهایی باند اموی، یعنی پوشاندن لباس حسق بر باطل و بر عکس و رواج اسلام انحرافی ومحو نام باند محمدی(ص)، آنگاه که می‌فرماید: «فانی اخاف ان یندس ایدی الحق و یدهب»(الاحتجاج، ج دوم، ص ۲۹۱)، «هم ینم دارم که در اثر اعمال معاویه و امویان دین اسلام فرسوده گشته و مردم ندانند اسلام بن‌شعبه و… با زیرکی و سیاست شیطانی به تحریف و انحراف اسلام و احیای شرافیت جاهلی این بار تحت نام جاننشینی رسول خدا، متمدن گمارده و یکسره و بی‌امان می‌شود. «شهادت» خود، برای همیشه بقا و تداوم اسلام ناب راتضمین و به تاریخ معرفی کند…»

لباس وارونه بنی‌امیه بر تن اسلام

باید بدانیم که بنی‌امیه در محو سبیرت و معنای اسلام و حفظ ظاهر و صورت آن به شدت جدی بودند که اوج این جدیت و تلاش برای تحقق آن را در دوران معاویه این ابی‌سفیان می‌بینیم. او و مشاوران و یارانش که بعضا هم جزو اصحاب پیامبر بودند(مثل عمروعاص که مشاور و عقل منضصل معاویه به حساب می‌آمد یا مغیره بن‌شعبه و…) با زیرکی و سیاست شیطانی به تحریف و انحراف اسلام و احیای شرافیت جاهلی این بار تحت نام جاننشینی رسول خدا، متمدن گمارده و یکسره و بی‌امان می‌شود. «شهادت» خود، برای همیشه بقا و تداوم اسلام ناب راتضمین و به تاریخ معرفی کند…»

صفحه ۷

سه‌شنبه ۱۸ مرداد ۱۴۰۱

۱۱ محرم ۱۴۴۴ – شماره ۳۰۸۹

۱- بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۲۷

چراغ راه

تکامل عقل فقط با پیروی از حق

قال الامام الحسین(ع): «لا یکمل العقل الا بتابع الحق».

امام حسین(ع) فرمود: عقل و خرد انسان کامل نمی‌گردد، مگر از حق و حقیقت پیروی کند.^(۱)

۱- بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۲۷

حکایت خوبان

جلوهای از معرفت توحیدی امام حسین (ع)

از امام حسین(ع) پرسیدند: چگونه صبح کردی؟ حضرت فرمود: صبح کردم در حالی که پروردگار را بالای سر خود ناظر می‌بینم و آتش دوزخ را در پیش روی خود دارم و مرگ مرا می‌طلبد و حساب و کتاب الهی مرا احاطه کرده و فرا گرفته است و من در گرو اعمال خودم هستم. آنچه را دوست دارم نمی‌توانم به دست آورم و آنچه را دوست ندارم، نمی‌توانم از خود دور سازم. زیرا زمام امور و کارها در دست دیگری است. اگر او بخواهد عذاب و عقابم می‌کند و اگر نخواهد عفو می‌نماید و می‌بخشاید. بنابراین آیا قفسیر و نیازمندی همچون من به خدای خویش نیازمند و محتاج نیست؟^(۱)

۱- بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۱۳

پرسش و پاسخ

اهداف قیام امام حسین (ع) (۳)

پرسش:

امام حسین(ع) در رابطه با قیام کربلا، چه اهدافی را دنبال می‌کرد و انگیزه اصلی و هدف غایی آن حضرت چه بود؟

پاسخ:

در دو بخش قبلی به بررسی اجمالی چهار دیدگاه شلام:
۱- شهادت‌طلبی
۲- تشکیل حکومت
۳- حفظ جان
۴- دیدگاه جمع بین شهادت‌طلبی و تشکیل حکومت و نقد اجمالی آنها پرداختیم. اینک در بخش پایانی دنباله مطلب را بی می‌گیریم.

برای تبیین نظریه «هدفمندی چند لایه» با اعتقاد و باور به اینکه امام حسین(ع) از شهادت خویش آگاه بود ولی شهادت را مقصد می‌دانست، نه مقصد و هدف غایی، حادثه عاشورا را در دو لایه تشریح می‌کنیم:
لایه اول: تحلیل مبانی و شئون امامت
امام حسین(ع) در سخنان، خطابه‌ها و نامه‌های خود، برای امتناع از بیعت با یزید، علل و اهدافی و برای حرکت خود از مدینه به مکه به آنجا به سمت کوفه، علل و اهداف دیگری را مطرح می‌سازد. در بخش نخست امام حسین(ع) خطاب به فرماندار مدینه می‌فرماید: ای امیرا ما خاندان نبوت و معدن رسالت و محل آمد و شد فرشتگان و جایگاه رحمت هستیم. خداوند، امور را با ما می‌گشاید و با ما می‌بندد و یزید مردی فاسق، باده‌گسار، آدمکش و اهل فسق و فیجور آشکار است، همانند منی با کسی همانند او بیعت نمی‌کند. (مقتل الحسین، خورزمی، ج ۱، ص ۱۸۳)

و در بخش دوم، اصلاح امت، احیای سنت، امر به معروف و نهی از منکر، مبارزه با سلطان ستمگر و عزت و آزادی را مطرح می‌کند، و می‌فرماید: به درستی که من از روی سمرستی و سرکشی و فسادانگیزی و ستمگری، قیام نکرده‌ام، بلکه برای تحقق رستگاری و اصلاح در امت جدم محمد(ص) قیام کرده‌ام. می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به سیره جدم محمد(ص) و پسردم علی‌ابن‌ابطالب(ع) رفتار کنم. (الفَتْوح، ج ۵، ص ۲۱)
بنابراین امام حسین(ع) برای تبیین دین و حفظ آن از نابودی و تحریف، اجرای دین و الگو بردن، حائز منصب و مقام امانت شده بود، و این رسالت و مأموریت‌ها می‌بایست بر تمام رفتار و گفتار و اندیشه‌های ایشان سایه می‌افتد. دستاوردهای این لایه از هدف عاشورا، سست شدن بنیاد حکومت بنی‌امیه، نابودی حکومت یزید، پایه‌ریزی قیام‌های حق‌طلبانه و آگهی مردم در آن برهه تاریخ است، که البته در فاصله زمانی نسبتاً کوتاه اتفاق افتاد.

لایه دوم: تحقق هدف عاشورا از منظر خدا و رسول(ص) و اولیای دین

در این لایه دیگر هدف به یک برهه از تاریخ محدود نمی‌شود، بلکه جودانه بخشی مشعل آزادبخواهی، مبارزه با ستم، بروز کرامات انسانی و آگاهی‌بخشی منظور است در اینجا میان امام حسین(ع) و نهاد انسانیت انسان‌ها به طول تاریخ، رابطه‌ای عاطفی برقرار می‌شود. به نظر می‌رسد آنجا که پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: ان لقتل الحسین حراره فی قلوب المؤمنین، لا تبرد ابدا» همانا با کشته شدن حسین(ع)، حرارتی در دل مومنان ایجاد می‌شود. که هرگز، سرد نمی‌گردد. (سندتدرک الوصائل، ج ۱۰، ص ۳۱۸)
با این نگاه می‌توان راز و رمز احکام ویژه‌ای را که در مجموعه تعالیم شیعیه، درباره حادثه عاشورا و امام حسین(ع) وارد شده فهمید و تحلیل کرد. مانند: استحباب سجده بر تربت امام حسین(ع)، استحباب زیارت امام حسین(ع) در مناسبت‌های مختلف مذهبی، استحباب اقامه عزاداری و گریستن برای امام حسین (ع)، استحباب زیارت اربعین و… همه اینها نشان می‌دهد که علاوه بر اهدافی که امام حسین(ع) از قیام خود داشته است، خداوند و اولیای دین نیز اهدافی را از این قیام منظور داشته‌اند، این همان چیزی است که به آن «اهداف چند لایه قیام امام حسین(ع)» می‌توان تعبیر کرد. به زبان دیگر، امام حسین(ع) می‌دانست که در این حادثه به شهادت می‌رسد، اما برای رسیدن به اهداف، به میدان مبارزه با طغوت زمان درآمد که عبارتند از:
۴- تشکیل حکومت اسلامی، خداوند نیز از این قیام و پایان فغبار خونینش، اهدافی را برای همیشه تاریخ در نظر داشته است. آنچه برخی به عنوان «مطوره مقدس» یا روابط عاطفی میان انسان‌ها و امام حسین(ع) بدان اشاره کرده‌اند به این بعد از اهداف برمی‌گردد. بنابراین دستاوردهای قیام دیگر به بخشی از تاریخ برنمی‌گردد و محدود نمی‌شود، بلکه برای پیروان تمام ادیان‌ها، و الگو قرار گرفتن تمامی قیام‌های آزادی‌خواهانه و انسانی و الهی تا روز قیامت خواهد بود.

سلوک عارفانه

پیروزی مکتب امام حسین (ع) در کربلا

حضرت سیدالشهداء هم شکست خورد و کشته شد، اما پیروزی نهایی را داشتند آنها، مکتبشان شکست نخورد. با کشته دادن، دشمنان را عقب زدند. معاویه و بساط معاویه را که می‌خواست اسلام را به صورت یک امپراتوری درآورد و بر گرداند به زمان جاهلیت است. مانند یزید و ابی‌طالب یزید دفن شدند تا ابد، و لعن مردم بر آنها است تا ابد.
دین خدا هم بر آنها است.^(۱)

۱- صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۴۹۶